

پایان مانورهای مسلحانه راهزنان نقابدار

شهروند اعضای یک باند تبهکاری، اسلحه به دست و نقاب به چهره از دامداری‌ها سرقت می‌کردند. طعمه ۸ عضو این گروه سرقت احشام بودند که از سوی پلیس پایتخت به دام افتادند. این راهزنان مسلح در آخرین سرقت شان ۴۰۰ گوسفند را به تاراج برده بودند.

۱۱ اردیبهشت امسال گزارش سرقت مسلحانه از دامداری در جاده چرم شهر به کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت اعلام شد. در تحقیقات صورت گرفته شاکي گفت: «ساعت ۲۳:۳۰ شب حادثه به همراه یکی از کارگران دامداری ام مشغول آبیاری زمین‌های زراعی در همان حوالی بودیم که ۶ مرد با چهره‌های پوشیده در حالی که اسلحه شکاری به دست داشتند داخل دامداری شده و با تهدید و ایجاد ضرب و جرح دست و پای ما را بستند و ۴۰۰ رأس گوسفند را سرقت کردند. بعد از سرقت متواری شده و ساعتی بعد با نقلای زیاد من و کارگرانم دست و پایمان را باز کردیم، موضوع را بلافاصله به پلیس و اهالی روستا خبر دادیم و با پیگیری، رد احشام سرقت شده را در ۵ کیلومتری دامداری پیدا کردیم که ۵۰ رأس از احشام بر اثر تشنگی و حمله تلف شده بودند.» به دنبال اعلام این شکایت تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت ادامه یافت و با اقدامات پلیسی شبانه‌روزی، کارآگاهان دریافتند یکی از کارگران قدیمی دامداری به نام «حامد» در این سرقت نقش دارد. در نهایت با تحقیقات پلیسی مخفیگاه حامد شناسایی و در یک عملیات ضربتی او و هشت عضو دیگر باند دستگیر شدند.

در بازرسی از مخفیگاه‌های این متهمان علاوه بر کشف هشت رأس گوساله مسروقه، موتورسیکلت سرقتی و دو سلاح شکاری نیز کشف شد.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: «در بازجویی‌های به عمل آمده از متهمان، ضمن اعتراف به مشارکت و همدستی در سرقت از دامداری شاکي و آزار و اذیت یکی از کارگران به چندین سرقت احشام در مناطق مختلف شهرستان‌های پیشوا و ورامین نیز اعتراف کردند. در بررسی‌های به عمل آمده تمامی اعضای باند دارای سوابق کیفری از جمله سرقت احشام هستند و تحقیقات برای شناسایی سایر جرایم احتمالی اعضای این باند ادامه دارد.»

گنج تلگرام، کلاهبرداری بود

شهروند مرد تبهکار با راه اندازی یک کانال تلگرامی با عنوان فروش اشیای تاریخی از کاربران کلاهبرداری می‌کرد. متهم با کشاندن طعمه‌های مجازی خود به درگاه جعلی بانک از حساب کاربران به صورت غیرمجاز برداشت می‌کرد.

رسیدگی به این پرونده با شکایت چندین کاربر کلید خورد. کاربرانی که در فضای مجازی مبالغ زیادی از حساب‌شان به صورت غیرمجاز برداشت شده بود.

بررسی‌ها نشان می‌داد این کاربران در فضای مجازی با یک کانال تلگرامی فروش اشیای تاریخی مواجه شده‌اند و با دیدن تصاویر و قیمت‌های مناسب این اشیاء برای خرید آنها ترغیب شدند. موضوع در دستور کار قرار گرفت. در تحقیقات اولیه و مطالعه اظهارات مالباختگان مشخص شد همه این افراد جهت خرید اشیای تاریخی با قیمت‌های مختلف به این کانال تلگرامی مراجعه کرده‌اند. اما گرداننده این کانال شکات را به یک درگاه بانکی جعلی هدایت کرده بود. این خریداران مجازی هم اطلاعات بانکی خود را وارد کرده و مورد کلاهبرداری قرار گرفته بودند. در ادامه اقدامات پرونده با بررسی‌های تکمیلی و تلاش‌های مستمر کارشناسان پلیس فضای پایتخت گرداننده کانال مورد نظر که بیش از بیست هزار عضو داشت شناسایی و هویت او برای پلیس روشن شد.

متخصصان سایبری پلیس فضای فرماندهی انتظامی تهران بزرگ بعد از تکمیل تحقیقات پرونده و به دست آوردن اطلاعات هویتی و سکونتی مجرم، پس از تشریفات قضائی، متهم را که مردی جوان بود در یکی از مناطق شمالی تهران دستگیر و به پلیس فتن منتقل کردند.

این متهم سایبری پس از انتقال به پلیس فتا و مواجهه با مدارک و مستندات جمع‌آوری شده توسط پلیس به جرم خود اقرار کرد. او به مأموران گفت: «با ایجاد یک کانال تلگرامی و با تبلیغات فریبنده و استفاده از تصاویر اینترنتی اشیای تاریخی، کاربران را جذب می‌کردم. پس از ارسال لینک جعلی اینترنت بانک از ۱۷ نفر حدود ۲۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کردم.» رئیس پلیس فضای تهران بزرگ با اعلام این خبر به شهروندان توصیه کرد: «به هیچ عنوان به هویت‌ها در شبکه‌های اجتماعی اعتماد نکنید. از در اختیار قرار دادن اطلاعات حساب بانکی خود در فضای مجازی به افراد ناشناس و کسانی که به آنها اطمینان کامل ندارید، خودداری کنید. در حفظ اطلاعات بانکی خود نهایت دقت را داشته باشید تا طعمه کلاهبرداری قرار نگیرید. در صورت مشاهده هرگونه مورد مشکوک با مراجعه به سایت www.cyberpolice.ir موارد را گزارش کنید.»



همسر این مرد به کشتن شوهرش با همدستی یک بلاگر دیگر اعتراف کرد معمای قتل بلاگر معروف حل شد

خانواده‌اش پیام می‌دادم، به خودم هم پیام می‌فرستادم.»

اظهارات جدید

با اعترافات این زن تلاش برای دستگیری همدستش آغاز شد. تحقیقات و بررسی‌ها نشان داد که ناصریک سابقه دار است. او به اتهام زورگیری دستگیر و ۶ سال حبس کشیده بود. یک سالی می‌شد که آزاد بود. بنابراین او دستگیر شد، ولی اعترافات دیگری را پیش روی پلیس قرار داد. او گفت: «مدتی بود با همسر شهاب آشنا شده بودم. ما کارمان مثل هم بود. برای همین از طریق کاری با هم در ارتباط بودیم. اما کم‌کم ارتباط مان بیشتر شد. تا اینکه او گفت شوهرش او را کتک می‌زند و رفتار مناسبی با وی ندارد. شب حادثه با من تماس گرفت و گفت که به شوهرش قرص خوراننده و او بیهوش شده است. بلافاصله به خانه‌شان رفتم. وقتی نبض شهاب را گرفتیم نمی‌زد. او مرده بود. با این حال همسرش گفت که برای اطمینان ضربه چاقو هم به او بزیم. خودش چاقو زد. بعد هم به او کمک کرد و جسد را به آتش کشیدیم.»

با این اعترافات، مأموران به محلی که این دو مجرم گفته بودند، رفتند. بقایای استخوان‌های یک انسان را آنجا یافتند. این استخوان‌ها به دستور بازپرس پرونده برای انجام آزمایشات دی‌ان‌ای به پزشکی قانونی فرستاده شد، اما با انجام آزمایشات مشخص نمی‌شود که این مرد چطور کشته شده است، تنها هویت او مشخص خواهد شد.

شهاب بود. ولی در نهایت قفل سکوتش را شکست و راز یک جنایت هولناک را فاش کرد. این زن در بازجویی‌ها به مأموران گفت: «با شوهرم اختلافات شدیدی داشتم. سر هر مسأله‌ای با هم درگیر می‌شدیم. اصلاً با هم تفاهم نداشتیم. تا اینکه چندوقت پیش به واسطه کارم در اینستاگرام، با یک بلاگر آشنا شدم. در ابتدا با ناصریک کاری در ارتباط بودم. حتی شوهرم هم او را می‌شناخت. با شوهرم هم بارها در مورد کار صحبت کرده بود. تا اینکه کم‌کم صمیمیت من با ناصریک بیشتر شد. با او درددل کردم و گفتم که شوهرم مرا اذیت می‌کند. زندگی برایم جهنم شده است. او هم با من همدردی کرد. تا اینکه روز حادثه یعنی چهارم فروردین ماه فرارسید.»

این زن درباره آن شب به مأموران پلیس گفت: «آن شب قرار بود ناصریک به خانه ما بیاید. در مورد کار می‌خواستیم با هم صحبت کنیم. شوهرم هم خانه بود، اما وقتی آمد به خاطر حرف‌هایی که در مورد شهاب به او زده بودم، ناگهان عصبی شد. با شوهرم درگیر شد و چند ضربه چاقو به او زد. چاقو را هم خودش همراه آورده بود. وقتی این اتفاق افتاد باید جسد را از خانه خارج می‌کردیم. برای همین برای اینکه همسایه‌ها شک نکنند، ناصریک و یک ویلچر تهیه کرد. او را روی ویلچر گذاشتیم. از خانه خارج کردیم. بعد هم در بیابان‌های اطراف تهران جسد را آتش زدیم. حتی لباس‌هایش را هم آتش زدیم. بعد از این اتفاق هم ارتباطم با ناصریک قطع کردم. برای اینکه کسی شک نکند. در این مدت هم از گوشی همسرم به

بلافاصله به محل زندگی این مرد رفتند و از همسرش تحقیق کردند. همسر این مرد همان صحبت‌هایی را کرد که به خانواده شوهرش گفته بود. او به مأموران گفت: «شوهرم در کار تبلیغات و مدلینگ در فضای مجازی است. من هم مثل او یک بلاگر هستم. ما کارمان همین است. از فروردین ماه شوهرم برای کار به امارات رفت و من هم دیگر نتوانستم با او صحبت کنم. چون سرش شلوغ بود فقط به صورت چت با هم در ارتباط بودیم.»

این زن پیام‌های شوهرش را نیز به مأموران نشان داد. با این حال پلیس، تحقیقات خود را ادامه داد. مدیر ساختمان صحبت‌هایی را مطرح کرد که راز این پرونده فاش شد. او به مأموران گفت: «روز چهارم فروردین ماه بود. من آخرین بار شهاب را همان زمان دیدم. شب بود که مردی به خانه آنها رفت. مدتی بعد همسر شهاب به همراه همان مرد، از خانه بیرون آمدند. شهاب هم روی ویلچر بود. آنها شهاب را با خودش تا ماشین بردند. ویلچر را داخل صندوق عقب خودرو گذاشتند. شهاب را هم روی صندلی عقب نشاندند. من تصور کردم که حال شهاب بد شده و او را به بیمارستان می‌برند. برای همین مشکوک نشدم، اما از آن زمان به بعد دیگر شهاب را ندیدم. وقتی سرازش را از همسرش گرفتم گفت برای کار به امارات رفته است.»

اعترافات هولناک

با این اظهارات، زن جوان با داشت شد. او در ابتدا منکر هرگونه اطلاع از سرنوشت

راز قتل بلاگر معروف بعد از گذشت پنج ماه فاش شد. جنایتی که روزها و ماه‌ها، با نقشه و نمایش ساختگی همسر این مرد، پنهان مانده بود. زن جوان با همدستی یک مرد دیگر که او نیز از بلاگرهای اینستاگرام بود، نقشه قتل شوهرش را اجرا کرد. او با پیامک‌های مختلف از گوشی شوهرش، راز این قتل را پنهان نگه داشته بود، اما در نهایت با شکایت خانواده این مرد بلاگر، تلاش مأموران پلیس پایتخت و اظهارات تنها شاهد ماجرا، این معمای خونی حل شد. روز ۱۵ تیرماه بود. خانواده‌ای با حضور در کلانتری، از ناپدید شدن پسر جوان‌شان خبر دادند. آنها گفتند: «پسرمان ازدواج کرده و یک فرزند خردسال نیز دارد. او در فضای مجازی در کار مدلینگ و تبلیغات بود. برای خودش فالوورهای زیادی داشت و یکی از بلاگرها بود. تا اینکه از فروردین ماه امسال دیگر او را ندیدیم و حتی صدایش را هم نشنیدیم. همسرش به ما گفت که شهاب برای انجام کاری به امارات رفته است. اوایل حرفش را باور کردیم. با خود شهاب به صورت چت در ارتباط بودیم. هر بار پیام می‌دادیم، جواب می‌داد. ولی هیچ وقت تلفنش را پاسخ نمی‌داد. حتی صدایش را هم نشنیدیم. فقط با چت با ما در ارتباط بود. تا اینکه در نهایت به ماجرا مشکوک شدیم و تصمیم گرفتیم شکایت کنیم.»

اظهارات ضد و نقیض

در ادامه با اعلام این شکایت مأموران پلیس به دستور بازپرس پرونده، موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. آنها

انتقام‌گیری خواستگار دشتستانی از دختر مورد علاقه‌اش

شناسایی و پیگیری هستند.»

او با بیان اینکه سوءاستفاده از فیلم و عکس‌های خصوصی و خانوادگی دیگران یکی از جرایمی است که این روزها موضوع پرونده‌های پلیس فتا را تشکیل می‌دهد، عنوان کرد: «هرگونه مزاحمت و انتشار تصاویر خصوصی و خانوادگی افراد در فضای سایبری برابر ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای، جرم محسوب شده و قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده است.»

فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان در پایان افزود: «پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir آماده دریافت گزارش‌های مردمی بوده و همچنین کاربران می‌توانند آخرین اخبار حوادث و رویدادهای سایبری را از این سایت دریافت کنند.»

پیام‌های توهین‌آمیز و تهدیدکننده را برای شاکي و پدر و مادرش ارسال کرده است. متهم پرونده در تحقیقات اولیه منکر هرگونه جرم خود شد. ولی پس از مواجهه با مستندات و مدارک جمع‌آوری شده از سوی کارشناسان به جرم خود اعتراف کرد. او انگیزه‌اش را انتقام‌گیری از خانواده شاکي و تلافی و ایجاد اختلاف بین شاکي و نامزدش عنوان کرد. سرهنگ فرهاد آراوند، فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان با اعلام این خبر گفت: «با توجه به گرایش بیشتر افراد به سمت شبکه‌های اجتماعی، متأسفانه عده‌ای با این تصور که در این شبکه‌ها ناشناخته خواهند ماند، تسویه حساب‌های شخصی خود را به فضای مجازی می‌کشاند. آنها اقدام به ایجاد مزاحمت برای دیگران می‌کنند غافل از اینکه، اینگونه تخلفات قابل

خواستگار جوانی که در فضای مجازی خانواده دختر مورد علاقه‌اش را تهدید می‌کرد، از سوی پلیس دستگیر شد.

با مراجعه خانمی به پلیس فضای شهرستان دشتستان در شکایتی اعلام کرد که فردی ناشناس در شبکه اجتماعی اینستاگرام اقدام به انتشار تصاویر خصوصی او کرده است. او گفت که این کار موجب سلب آسایش او شده است. بنابراین رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت.

با پی‌جویی و سرخ‌های دیجیتال مجرمانه توسط افسران سایبری مشخص شد که پیام‌های تهدیدآمیز از سوی خواستگار سابق شاکي ارسال شده است. او با شماره‌ای ناشناس اقدام به فعال کردن حساب کاربری اینستاگرام کرده است. او از آن طریق